



ارنست بایلر عشق به هنر

گفت‌وگوهای کریستوف
موری با ارنست بایلر

ترجمه سرویس سهامی نور

فهرست

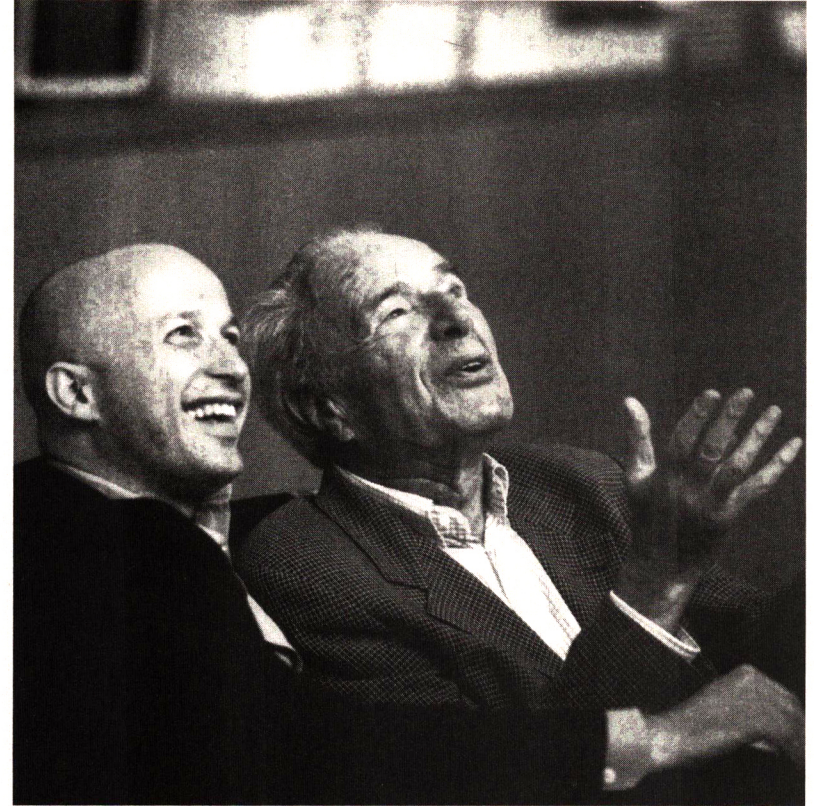
۷	پیش‌گفتار
۱۱	۱ ار کتاب فروشی تا گالری
۱۷	۲ یک گالری‌دار در نازل
۲۵	۳ پیکاسو، یک میوبار
۳۳	۴ مارک توبی، یک آمریکایی در نازل
۳۷	۵ ری ار ویسترتور
۳۹	۶ آمریکا و معامله‌های تامپسون
۵۳	۷ پل کله، یک سگ‌سا برای هر مجموعه هر مدرن
۵۷	۸ دربه‌در دسال مشتری!
۶۳	۹ دوباره تامپسون پس از کله و مجموعه حاکومتی
۶۹	۱۰ نه دسال حقیقت حاکومتی
۷۵	۱۱ نقاشی ماده دوبوفه و تاپه
۸۱	۱۲ در گالری
۹۱	۱۳ خریدار حرفه‌ای هر بودن
۱۰۹	۱۴ آمریکا ویلیام روین، نیونورک، دلال‌ها، هرمدان
۱۲۱	۱۵ دوباره دلال‌ها
۱۲۷	۱۶ محسمه
۱۳۱	۱۷ ساده‌ها
۱۵۵	پس‌گفتار

ارست نایلر، نه عنوان یک دلال هنر، مجموعه‌دار، واسطه و مؤسس موره، نه مدت شصت سال مسع الهام جهان‌س‌المللی هنر بوده است او در این مسیر رادگاه خود، شهر نازل را، نه یک مرکز مهم هنری تبدیل کرد در سال ۱۹۴۵ یک کتاب‌روشی قدیمی را خرید و این ساختمان تاریخی مرلگاه گالری نایلر، یکی از مکان‌های پیشروی هنر مدرن در جهان شد او در طول عمر خود، بیش از ۲۵۰ نمایشگاه برگزار کرد که همگی شان با کاتالوگ‌هایی بسیار ارزشمند همراه بود آثار اکثر هنرمندان بزرگ قرن بیستم که بسیاری از آن‌ها دوست او بودند در گالری او به نمایش درآمد

این اقبال را داشت که شحصا از میان آثار پیکاسو انتحاب کند، مدتی نماینده انحصاری دویوفه^۱ بود و با نیوه کاندیسکی^۲ قراردادی برای میراث همسر هنرمندش داشت او تاسیس سیاد آلرتو حاکومتی^۳ را ممکن ساخت و خرید تعداد بسیار زیادی از آثار پل کله^۴ را که هسته مرکزی مجموعه هنری راین-وستفالیای شمالی^۵ را شکل می‌دهد تسهیل کرد وی همچنین حامی هنرمندان بسیاری از جمله نارت نیومس^۶، فرانسیس بیکن^۷، روی لیحتشتاین^۸، جورج نارتلتر^۹ و اسلم کفر^۱ بوده است نایلر نه سبط یافتن مجموعه‌های خصوصی مهمی کمک کرد واسطه خرید آثار متعددی برای موره‌ها بود که از میان آن‌ها می‌توان نه آثار گران‌بهایی مثل «پرتره ژورف رولس» ون گوگ و محسمه «گیتار» پیکاسو برای موره هنرهای مدرن نیویورک اشاره کرد گالری نایلر چیری حدود ۱۶ هزار نقاشی، محسمه و طراحی فروحت و ارست نایلر تبدیل نه یکی از مهمترین دلالات آثار هنری رمانه ما شد که تعداد بی‌همتایی از شاهکارهای هنری از دستان او عمور کرده است در سال ۱۹۷۰ با همکاران گالری‌دارش، ترودل بروکسر^{۱۱} و بالر هیلت^{۱۲} یک بازار

- 1 Jean Dubuffet – (۱۹۸۵-۱۹۱۰)
- 2 Wassily Kandinsky – (۱۹۴۴-۱۸۶۶)
- 3 Alberto Giacometti – (۱۹۶۶-۱۹۱۰)
- 4 Paul Klee – (۱۹۴۰-۱۸۷۹)
- 5 Kunstsammlung Nordrhein Westfalen
- 6 Barnett Newman (۱۹۷۰-۱۹۰۵)
- 7 Francis Bacon – (۱۹۹۲-۱۹۰۹)
- 8 Roy Lichtenstein (۱۹۹۷-۱۹۲۳)
- 9 George Baselitz – (۱۹۳۸)
- 10 Anselm Kerfer – (۱۹۴۵)
- 11 Trudl Bruckner
- 12 Balz Hilt

بین‌المللی هر را پایه گذاشت که اکنون به عنوان آرت نارل شناخته می‌شود به لطف ارتباط فوق‌العاده‌اش با گالری‌دارها، هنرمندان و مجموعه‌داران سراسر دنیا، این نارار به سرعت موفقیت زیادی یافت سال‌ها فعالیتش در کمیته نارار- به عنوان عضو فعال تا سال ۱۹۹۰ و پس از آن به عنوان مشاور در هئات افتحاری- باعث شد تا آرت نارل به نارار پیشروی هر جهان تبدیل شود



ارست نایلر با سم کلر در ساد نایلر، ۱۶ ژوئن ۲۰۰۷

عرفه گالری نایلر با شاهکارهای در قد و قواره مجموعه موره‌ها و نمایش‌های مستقل فوق‌العاده‌اش همیشه در این نارار درخشیده است ارست نایلر به عنوان ارشد همواره مشاوری ارشمنند و میربانی فریبا بود نایلر به همراه همسرش، هیلدی، که در سال

۲۰۰۸ درگذشت، مجموعه‌ای حیره‌کننده از امپرسیونیست‌ها، پست امپرسیونیست‌ها، مدرنیست‌های کلاسیک و هر معاصر با نهاد برای این که مجموعه در معرض دید عموم باشد، موره‌ای را با معماری ربرو پیانو^۱ نا عنوان سیاد نایلر^۲ تاسیس کرد که در سال ۱۹۹۷ افتتاح شد و از آن زمان، به فقط به خاطر مجموعه شخصی بلکه به خاطر نمایشگاه‌های متعدد انفرادی و نمایشگاه‌هایی با تم‌های خاص، اعتبار بین‌المللی یافته است تاکنون بیش از چهار میلیون نفر از موره بازدید کرده‌اند و به یکی از مهم‌ترین موره‌های سوئیس تبدیل شده این سیاد با برنامه‌های فرهنگی و فعالیت‌های متنوع خود، به دنبال گسترش درک هری عموم و همچنین بیداری و حفظ علاقه جوانان به هر است فعالیت‌های فرهنگی این سیاد از دیوارهایش فراتر می‌رود چرا که آثارش را برای نمایشگاه‌های مهم اعلی موره‌های مشهور جهان فرص می‌دهد، نمایشگاه‌هایش را به موره‌های دیگر می‌فرستد و مسئول پروژه‌های فوق‌العاده هری در فضاها عمومی است یا در این مورد نا موسسات فرهنگی دیگر همکاری می‌کند هدف ما این است که موره را به عنوان یادبودی برای ارست نایلر اداره کنیم و در حالی که به ایده‌های او وفادار هستیم به روبرو بیر نگاهی صمانت‌شده داریم

ارست نایلر مردی، دلپسند، پویا و پرحادسه و در حلقه‌های هنر شخصیتی مهم بود شهرت چشمان او برای کیفیت شاحص آثار هری افسانه‌ای است او جهان‌وطنی بود که به رعم موفقیت‌های بی‌شمار بین‌المللی فروتسی، مهربانی و رانطه بر دیک خود را نا رادگاهش حفظ کرد ما همگی برای او احترامی وصف‌ناشدنی قائلیم و یاد او را گرمی می‌داریم این کتاب، که مصاحبه‌های کریستوف موری نا اوست، شاهدی گویا بر شور و عشق ارست نایلر به هر است

سم کلر

مدیر سیاد نایلر و رییس آرت نارل

1 معمار ایتالیایی مولد ۱۹۳۷- Renzo Piano
2 Foundation Beyeler

۱ ار کتاب فروشی ناگالری

«در ابتدا کتابفروشی بود»
(اریک اورسنا^۱، نمانه اسعمازی)

کریستوف موری در شصت سال گذشته این ساختمان تاریخی مرکز حرفه بین‌المللی شما بوده

ارست نایلر درست است هیچ‌وقت این چند خانه را ترک نکردم همین مدرسه روبرویی می‌رفتم اولین شعلم در همین حیانا بود آن رمان سارل هور اعتبار هری دداشت شصت سال بعد، من هور همان‌جا هستم اولش یک خانه کوچک بود که مردی به نام اسکار اشلوس^۲ آن را برای راه انداختن یک کتابفروشی از شهرداری احاره کرده بود

چطور شروع شد؟

اولین بار که اسکار اشلوس را دیدم شصت و دو ساله بود رمانتیک بود در وورمر^۳ آلمان در خانواده‌ای یهودی که در کار تولید و فروش شراب بودند متولد شد و محور بود برای فروش محصول مدام در سفر باشد حوره کتاب بود و همیشه کتاب همراهش بود، بخصوص آن کتاب‌های قدیمی با حلد شومیر ردرنگ که رکلام^۴ منتشر می‌کرد همیشه در حال خواندن بود به‌طور اتفاقی چند تا کتاب درباره بودیسم خوانده و بودایی شده بود بعد از آن عقایدش دیگر احاره نمی‌داد شراب بفروشد از خانواده ارثیه‌اش را طلب کرد و قطعه رمیسی در مویح خرید و در آن تعدادی خانه از حمله یک انتشارات بودایی درست کرد برای این که خودکفا باشد، سریحات و انواع و اقسام گیاهان را می‌کاشت بعد همه‌چیزش را فروخت و تصمیم گرفت چیره‌های دیوی را ترک و کند و در یک صومعه در سیلان نارشسته شود

چه چیزی او را به نازل کشاند؟

داستان‌های محتملی در این باره وجود دارد یکی این است که در مسیر رفتن به سیلان در سوئیس توقف کوتاهی کرد تا اسکی کند و در یک حادثه بدحوری پایش شکست و

1 Erik Orsenna
2 Oskar Schloss
3 worms
4 Reclam

عاشق پرستار بیمارستان شد وقتی حوب شد، روی کوهی در بریدیکی لوکارو در بخش ایتالیایی رمان سوئیس معتکف شد سال ۱۹۳۴ بود در آن رمان هیتلر، صدراعظم آلمان، انتقال پول به خارج از کشور را خصوصاً برای شرکت‌های یهودی ممنوع کرد اشلوس به تدریج پولی را که ناید از انتشارات خود درآورده باشد از دست می‌دهد از آن‌ها که از لحاظ اقتصادی نابود شده بود محصور می‌شود دوباره کار کند چون تجارت شراب را هم به کل کنار گذاشته بود نه دنبال چیر دیگری گشت تا یک پاهنده آلمانی دیگر به نام دکتر لوئب^۱ که یک انتشارات در فرانکفورت داشت آشنا شد و به او پیشنهاد کرد در بارل برایش کار کند اشلوس تخصص کمی داشت، اما داتا ناستعداد بود ادبیات، فلسفه، کتاب‌های چاپ قدیم و چاپ اول می‌فروخت طبیعتاً ادبیات بودایی جایگاه مهمی داشت تعدادی هم چاپ و طراحی می‌فروخت

آن موقع چیری در مورد ادبیات نمی‌دانستید

یک دوره کارآموزی ناررگانی کرده بودم و حوصله‌ام سر رفته بود علاقه‌ای به ناررگانی نداشتم و باید فوراً کار پیدا می‌کردم رادگام و طبیعتش را دوست دارم در کلپ قایقرانی که همور هم آن‌ها می‌روم دوستی داشتم همیشه عاشق ورزش و طبیعت بودم هیچ دلیلی برای شکایت نداشتم دلم می‌خواست اگر نتوانم با اشلوس کار کنم و چیره‌های ریادی یاد بگیرم

انگیره‌تان چه بود پول درآوردن یا مستقل بودن؟

دنبال مشغولیتی بودم که از همه لحاظ من را راضی کند نمی‌دانستم چه راهی را دنبال کنم احاره دادم حوادث من را پیش برد وقتی دوستم پیشهاد کرد اشلوس را بسیم و سرای او کار کنم، مخالفتی نکردم این بخش از شهر را به خوبی می‌شناختم، چون مدرسه‌ام درست آن طرف حیانا بود همه‌چیز به نظر طبیعی می‌رسید و طبعه من این بود که از طرف اشلوس برای کتابخانه‌ها پیشنهاد بویسم و مراقب وضعیت کتاب‌ها باشم به علاوه کتاب می‌خواندم تا تحصیلات و فهمم را بالا برم

چه درس‌هایی از آن سال‌ها گرفتید؟

اشلوس به من درس ساده‌ای داد که از آن رمان نکار ستهام یک سنگ سس برنارد داشت که خیلی تسل بود، مخصوصاً موقع عدا خوردن ترحیح می‌داد گرسنه بنامد تا این که بلند شود و سراع کاسه‌اش بیاید اشلوس یک گربه می‌آورد تا به عداای سنگ ناحک برید

و به این ترتیب سنگ پیر را ترعیب می‌کرد پیرد و نباید سر عداایش این درس خیلی مهمی بود بیشتر آدم‌ها بیار مرمی به حرید آثار هری احساس نمی‌کنند چرا ناید برای حریدن یک اثر خاص عخله کنند؟ برای همین من همیشه سعی کردم یک حریدار نالقوه دوم برای هر قرارداد پیدا کنم اگر می‌خواستم ادایش را در بیاورم، عمل نمی‌کرد اما اگر حریدار دوم واقعا علاقمند بود، حریداران به شکل عریری آن را حس می‌کردند و برای حرید اثر تردید به خود راه نمی‌دادند سعی کردم برای هر معامله یک گربه پیدا کنم

در رمان حگک ناید کتاب فروختن کار راحتی بوده ناید

سسیاری از پاهندگان آلمانی بر ایمان کتاب، چاپ و طراحی می‌آوردند اشلوس یک چیر دلرنا داشت که در سوئیس حیلی مرسوم بیست او دلرنا بود به دلریر تقریباً ححالتی بود اما وقتی ناکسی که فکر می‌کرد به موضوع خاصی علاقمند است حرف می‌زد خودش را رها می‌کرد او احساس ویژه‌ای به کتاب و هر داشت



ارست نابلر، ۱۹۵۳